

ایمان میرزازاده

کارآموز وکالت دادگستری

## بررسی حق حیات، حیثیت و کرامت انسانی در قانون مجازات

### چکیده

ابتدا با پرداختن به موازین و معاهدات بین‌المللی در زمینه حقوق بشر و پذیرش آنها توسط دولت ایران، به مسئولیت ایران در قبال آن معاهدات اشاره داریم و به عنوان یکی از مسئولیت‌های دولت در قبال آن معاهدات و استانداردهای به وجود آمده در زمینه حقوق بشر به موضوع حمایت و تضمین حق حیات به وسیله وضع قوانین و مقررات توسط دولت و لزوم پیشگیری و پیگیری سلب خودسرانه حیات در جهت تضمین این حق بنیادین بشری، مذکور در اعلامیه و میثاق‌ها، بحث کرده و در ادامه، به عنوان نمونه‌ای ملموس به بررسی قانون مجازات ایران و لزوم بازنگری در برخی از مواد آن به جهت مغایرت با حق حیات و حیثیت و کرامت انسانی، می‌پردازیم. در این زمینه اشاره‌ای به ۲ پرونده مطرح شده در کمیته حقوق بشر که از لحاظ موضوعی ارتباط نزدیکی با موضوع تضمین حق بنیادین حیات و ممنوعیت سلب خودسرانه آن توسط دولت دارد، و به دنبال آن به نظریات تفسیری کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد در مورد مفاهیم حق حیات خواهیم پرداخت.

### مقدمه

با توجه به این مسأله که ریشه اصلی بحث‌های مطرح شده در این مقاله به چگونگی التزام ایران به معاهدات حقوق بشری بازمی‌گردد، لازم دیده شد که به اختصار توضیحاتی را در باب مسئولیت ایران در قبال معاهدات حقوق بشری مطرح کنیم:

قانون اجازه الحاق دولت ایران به قرارداد بین‌المللی جلوگیری از کشتار جمعی (ژنوسید) مصوب ۱۳۳۴/۹/۳۰، قانون مربوطه به قرارداد بین‌المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی مصوب ۱۳۷۴/۴/۳۰، قانون اجازه دولت ایران برای پیوستن به میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۳۵۴/۲/۱۷، قانون اجازه الحاق دولت ایران به میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۳۵۴/۲/۱۷، قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون بین‌المللی منع و مجازات جنایت آپارتاید مصوب ۱۳۶۳/۱۱/۴، قانون الحاق جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون بین‌المللی علیه آپارتاید در ورزش مصوب ۱۳۶۶/۷/۷، قانون اجازه الحاق کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان و پروتکل آن ۱۳۵۵/۳/۲۵، قانون اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حقوق کودک ۱۳۷۲/۱۲/۱ و قانون اجازه الحاق دولت ایران به قراردادهای معروف به قراردادهای ژنو مصوب ۱۳۳۴/۹/۳۰ در مورد حقوق بشردوستانه بین‌المللی همگی مبین کنوانسیون‌های بین‌المللی هستند که به تصویب دولت ایران رسیده‌اند و ایران به لحاظ بین‌المللی مکلف به رعایت آنهاست، کمابست که طبق ماده ۹ قانون مدنی نیز مقررات عهدی که برطبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقد شده باشد در حکم قانون است. از سوی دیگر بسیاری از قواعد حقوق بشر بر اثر تکرار در عملکرد دولت‌ها و رویه سازمان‌های بین‌المللی از انسجام حقوقی استواری برخوردار شده و در زمره حقوق عرفی عام برای دولت ایران الزام‌آور است. اما فراتر از اعتبار عرفی - قراردادی، بسیاری از قواعد حقوق بشر به واقع روند استاندارد شدن را تکمیل کرده و به معیارهای جهانی مبدل شده است و همگان را ملتزم می‌کند. بدیهی است که ایران به عنوان عضوی از اعضای جامعه بین‌المللی مکلف است این استانداردها را رعایت کند و موارد نقض آنها را با ضمانت اجراهای کیفری و یا مدنی جبران کند. برای مثال در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) بر نقش دولت در تضمین اجرای حقوق بشر تأکید شده و دولت متعهد شده است تعهد بین‌المللی خود را در این زمینه با حسن نیت اجرا کند. طبق ماده ۲ این میثاق کشورهای عضو متعهد شده‌اند که حقوق شناخته شده در میثاق را درباره کلیه افراد مقیم در قلمرو و تابع صلاحیتشان بدون هیچ گونه تمایزی محترم شمرده و تضمین کنند. همچنین وسیله

مطمئن احقاق حق برای هر شخص که حقوق و آزادی‌های شناخته شده در میثاق مذکور درباره او نقض شده باشد فراهم گردد، هرچند که نقض حق به وسیله اشخاصی ارتکاب شده باشد که در اجرای مشاغل رسمی خود عمل کرده باشند. چنین ماده‌ای با مفهومی یکسان یا مشابه در تمام معاهدات راجع به حقوق بشر وجود دارد. به واقع نظام بین‌المللی از یکسو بر این نکته واقف بوده که تعهدات حقوق بشری عموماً نیازمند قانونگزاری داخلی هستند و خودبخود به اجرا در نمی‌آیند و از سوی دیگر قصد آن داشته که به نظام ملی اعتماد کند و به نوعی به آنها در منظر افکار عمومی جهانی حیثیت و اعتبار بین‌المللی دهد. دقیقاً به همین خاطر بوده است که مراجع بین‌المللی مسؤول نظارت بر اجرای تعهدات حقوق بشر همگی این قید را برای استماع و رسیدگی به شکایات واصله قرار داده‌اند که قبلاً در مراجع ملی ذی ربط مطرح شده و ناکارآمدی آن مراجع اثبات شده باشد (مثلاً بند «ج» ماده ۴۱ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در مورد صلاحیت کمیته حقوق بشر برای دریافت و رسیدگی به اطلاعیه‌های راجع به نقض میثاق).\*

حال که التزام جمهوری اسلامی ایران به موازین بین‌المللی حقوق بشر به اثبات رسید شایسته است که میزان انطباق قانون مجازات کشورمان را با تعهدات بین‌المللی کشورمان، بررسی کنیم.

در ابتدای بحث جای دارد موادی از اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق حقوق مدنی و سیاسی بیان شود که تأکیدی بر ذاتی بودن و جدایی ناپذیر بودن این حق است.

#### ماده ۱۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر:

هر کس حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی را دارد.\*\*

از نحوه بیان «هرکس» در ابتدای این ماده کاملاً روشن است که منظور انسان است بدون توجه به نژاد و جنسیت، مذهب، نسبت و... در واقع این حق را برای انسان

\* - زمانی، سیدقاسم، موازین بین‌المللی حقوق بشر و بازداشت محکومیت مالی در ایران، مجله حقوقی، شماره ۳۵، ۱۳۸۶، ص.

\*\* - امیر ارجمند، اردشیر، مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر، چاپ دوم، تهران، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۶.

بماهو انسان در نظر گرفته است و حتی در مقدمه میثاق حقوق مدنی و سیاسی «... با اذعان به این که حقوق مذکور ناشی از حیثیت ذاتی شخص انسان است»<sup>۳۳</sup>، در واقع اشاره به واژه مطلق انسان دارد و انسان بماهو انسان را دارای ارزش و کرامت ذاتی می‌داند با هر مذهب، نژاد، نسب و جنسیت...<sup>۳۴</sup>

#### ماده ۲ میثاق حقوق مدنی و سیاسی

این ماده دولت‌های طرف میثاق را متعهد کرده است که حقوق مندرج در این میثاق را محترم بشمارند و تضمین کنند.<sup>۳۵</sup> و در بند ۲ از این ماده دولت‌ها متعهد شدند که اقداماتی در زمینه اتخاذ تدابیر قانونگزاری و غیر آن به منظور تنفیذ حقوق شناخته شده در میثاق بعمل آورند.

همچنین در مواد متعددی از میثاق، به عدم تبعیض براساس رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا عقیده دیگر، اصل و منشأ ملی یا اجتماعی، ثروت و نسب اشاره شده است.<sup>۳۶</sup>

در مورد حق حیات که در مقدمه میثاق حقوق مدنی و سیاسی و اعلامیه جهانی، جز حقوق ذاتی انسان شناخته شده است، همین کافی است که در ماده ۴ در بند ۲، حق حیات را جزء حقوق غیرقابل تعلیق<sup>۳۷</sup> قرار داده است.

#### مطابق ماده ۶ میثاق حقوق مدنی و سیاسی

حق حیات از حقوق ذاتی شخص انسانی است و این حق باید توسط قانون حمایت شود و از طرفی سلب خودسرانه حیات افراد را ممنوع کرده است.<sup>۳۸</sup>

\* - همان

\*\* - محمدی گرگانی، محمد، کرامت انسان، حقوق بشر از منظر اندیشمندان، چاپ اول، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۵.

\*\*\* - امیرارجمند، اردشیر، مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر، چاپ دوم، تهران، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۶.

\*\*\*\* - همان.

\*\*\*\*\* - همان.

\*\*\*\*\* - مرکز مطالعات حقوق بشر، گزیده‌ای از مهم‌ترین اسناد بین‌المللی حقوق بشر، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشکده حقوق دانشگاه تهران، ۱۳۸۲ و امیر ارجمند، اردشیر، مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر، چاپ دوم، تهران، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۶.

از مفاد مواد مذکور در مورد حق حیات می توان این نتیجه را گرفت که اعلامیه و میثاق به دنبال بیان این مطلب بوده اند که انسان را به صرف انسان بودن\*، دارای این حقوق بشناسد و این حق ذاتی انسان است و دولت ها را متعهد به احترام و تضمین این حق می دانند و دولت ها به هیچ بهانه ای مثل شرایط بحرانی و خطر عمومی و... نمی توانند حق حیات را معلق کنند.

اما قبل از ورود به تجزیه و تحلیل قانون مجازات اسلامی لازم می دانم نگاهی هم به کنوانسیون های منطقه ای حقوق بشر داشته باشیم:

● کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، ضمن اعلام وجود این حق اضافه می نماید، که حق حیات بایستی توسط قانون حمایت گردد.

● کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر و ماده ۴ منشور آفریقایی حقوق بشر، تأکید بر احترام به این حق کرده است و در اسناد مزبور لزوم احتراز از مجازات اعدام به طور صریح ذکر شده است (جز منشور آفریقایی حقوق بشر) و همینطور میثاق حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر و منشور آفریقایی حقوق بشر و ملل (ماده ۴) سلب خودسرانه حیات منع شده است.\*\*

در میثاق حقوق مدنی و سیاسی\*\*\* و کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر\*\*\*\*، مجازات مرگ به جدی ترین جرائم محدود شده است و ضرورت دارد که این مجازات فقط براساس حکم قطعی دادگاه ذیصلاح و طبق قوانینی که عطف بماسبق نشده و با امکان تقاضای برخورداری از بخشش یا تخفیف مجازات اعمال گردد.

اسناد مزبور همچنین اعمال مجازات اعدام را برای افراد زیر ۱۸ سال در زمان

\* - محمد گرگانی، محمد، کرامت انسان، حقوق بشر از منظر اندیشمندان، چاپ اول، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۰.

\*\* - رایجان اصلی، مهرداد، جایگاه کیفر مرگ در جهان، مجله پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۱۱، بهار و تابستان ۸۳.

\*\*\* - مرکز مطالعات حقوق بشر، گزیده ای از مهم ترین اسناد بین المللی حقوق بشر، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشکده حقوق دانشگاه تهران، ۱۳۸۲ و امیر ارجمند، اردشیر، مجموعه اسناد بین المللی حقوق بشر، چاپ دوم، تهران، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۶.

\*\*\*\* - رایجان اصلی، مهرداد، جایگاه کیفر مرگ در جهان، مجله پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۱۱، بهار و تابستان ۸۳.

ارتکاب جرم و زنان حامله منع کرده است.

در کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، یک قدم نیز فراتر از این گذاشته شده و اعمال مجازات اعدام برای جرایم سیاسی یا جرایم عادی مرتبط با آنها منع شده است. ماده ۶ بند ۲، میثاق حقوق مدنی و سیاسی نیز، خواستار الغای این مجازات شده است.

در اعلامیه حقوق بشر (ماده ۵)، و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ماده ۷) و کنوانسیون منع شکنجه (ماده ۱ و ۱۶) و دیگر اسناد بین‌المللی حقوق بشر، سه مورد ممنوع شده است که بی‌ارتباط با حق حیات و حیثیت ذاتی و کرامت انسان مطلق (انسان بما هو انسان) نیست:\*

شکنجه، رفتار خشن و غیرانسانی و موهن و مجازات خشن و غیرانسانی و موهن.

اگر مجازات‌های خشن و غیرانسانی به مجازات‌های بدنی چون شلاق، قطع دست و پا و امثال آن تعبیر شود، از نظر اعلامیه جهانی حقوق بشر و دیگر اسناد بین‌المللی، مجازات‌های بی‌ممنوع است و مغایر با حیثیت و کرامت والای انسانی است.\*\*

در قانون اساسی برخی کشورها، در کنار ممنوعیت شکنجه، مجازات بدنی نیز صریحاً ممنوع شده است. بدین معنی که براساس قانون و حکم دادگاه نیز نمی‌توان مجازات‌های بدنی را علیه افراد اجرا کرد و طبعاً قوانینی که مجازات‌های بدنی را مقرر کند، نمی‌توان وضع کرد و اگر قانون به این مضمون موجود باشد باید لغو شود.

مثال: قانون اساسی سوئد سال ۱۹۸۹، صریحاً مجازات بدنی را در کنار شکنجه ممنوع اعلام می‌دارد.۴

اصلاحیه ۸ قانون اساسی آمریکا نیز بدون تصریح به ممنوعیت مجازات بدنی، می‌گوید: هیچ نوع مجازات خشن و غیرعادی اجرا نمی‌شود.

به هر حال در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مسأله مجازات‌های بدنی یا مجازات‌های خشن و موهن مسکوت گذاشته شده است و ممنوع نشده است و می‌دانیم

\* - مرکز مطالعات حقوق بشر، گزیده‌ای از مهم‌ترین اسناد بین‌المللی حقوق بشر، چاپ اول تهران، انتشارات دانشکده حقوق دانشگاه تهران، ۱۳۸۲ و امیرارجمند، اردشیر، مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر، چاپ دوم، تهران، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۶.

\*\* - محمدی گرگانی، محمد، کرامت انسان، حقوق بشر از منظر اندیشمندان، چاپ اول، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۰.

که در قانون مجازات اسلامی که بر مبنای مقررات جزایی اسلامی تدوین و تصویب شده، مجازات‌های بدنی چون قطع دست و شلاق و رجم وجود دارد.

جا دارد که از آمارها در این قسمت استفاده کنیم: ۱۰۴

تا یکم ژانویه ۲۰۰۰، بیش از ۹۰ کشور جهان همچنان کیفر مرگ را در نظام کیفری خود حفظ کرده‌اند، آمارهای گروه پاسدار عفو بین‌الملل از اجرای اعدام در ۳۴ کشور و وجود زندانیان در انتظار اعدام در ۵۵ کشور حکایت دارد.\*

در طول سال ۱۹۹۹ دست کم ۱۸۱۳ زندانی در ۳۱ کشور اعدام و ۳۸۷۵ نفر در ۶۳ کشور به مرگ محکوم شدند. ۸۵٪ این اعدام‌ها در چین، ایران، عربستان، کنگو، آمریکا رخ داده است. در همین حال، در چین بر پایه آمارهای موجود دست کم ۱۰۷۷ نفر اعدام شدند. در ایران ۱۶۵ و در کنگو نزدیک ۱۰۰ حکم اعدام اجرا شده است. ۴ افزون بر اینها، اجرای صدها حکم اعدام در عراق گزارش شده است که برآورد شمار دقیق آن ممکن نیست.

#### وضعیت اعدام در کشورهای اسلامی

کیفر مرگ همواره یکی از مجازات‌های اصلی در قوانین کشورهای اسلامی بوده است. این کشورها با بهره‌گیری پیوسته از این کیفر حتی به اجرای علنی آن می‌پردازند. بر پایه آمارها در سال ۱۹۹۹ دست کم ۱۰۳ حکم اعدام در عربستان برای جرم‌هایی چون قتل عمد، تجاوز جنسی و قاچاق مواد مخدر اجرا شده است. از میان اعدام‌شدگان ۶۴ نفر شهروند بیگانه بودند، تنها در جرم قاچاق مواد مخدر، سه زن اعدام شده‌اند. یکی از معروف‌ترین نمونه‌ها در این آمار اعدام الزبیر، شهروند سودانی است. وی که مدعی بود از قدرت جادویی خاص برای بهبود بخشیدن بیماران و جدا کردن زن و شوهر (رابطه) بهره می‌برد، به جرم افسونگری گردن زده شد. ۴۱۰

جای دارد در اینجا برخی اعلامیه‌های مجامع اسلامی در مورد رابطه دولت و افراد تحت صلاحیتش اشاره کنیم:

در اینجا مناسب است که به اعلامیه جهانی شورای اسلامی اروپا و اجلاس کویت

۱۹۸۰، شورای اسلامی اروپا (لندن) اشاره کنم:

مطابق این اعلامیه، قانون الهی تنها قانونی است که به دولت‌ها مشروعیت می‌بخشد، هیچ قدرت و حکومتی مشروعیت ندارد، مگر اینکه قانون الهی را که اصول در قرآن و سنت پیامبر (ص) مشروعیت ندارد، مگر اینکه قانون الهی را که اصول آن در قرآن و سنت پیامبر (ص) آمده است اجرا کند. دولت مسئول تحقق عدالت در همه زمینه‌های زندگی است و باید در راه تحکیم وحدت امت، حفظ شرافت و رشد و تعالی ملت اقدام کند.

اعلامیه ۱۹۸۱ - پاریس

ذیل حق حیات به مقدس بودن حیات انسانی اشاره شده که باید آن را محترم شمرد و کسی حق ندارد به حیات دیگری لطمه بزند، مگر طبق قوانین اعلام شده اسلامی. و در این راستا به آیه معروف ۳۲ سوره مائده استناد شده که خداوند می‌فرماید:

هر کس، شخصی را بدون اینکه مرتکب قتلی شده یا در روی زمین فساد انجام داده است به قتل برساند مثل این است که همه مردم را کشته است.

یا در شرح لعمه جلد ۵ صفحه ۴۳۰ ارتداد و برگشت از اسلام از نظر قرآن شدیداً محکوم شده است و طبق نظرات و فتاوی جاری فقهی، شخص مرتد محکوم به مرگ است و برخی حقوق مدنی و اجتماعی نیز از او سلب می‌شود، چنانکه اگر مرد مسلمانی مرتد شود، بلافاصله زنش از او جدا می‌شود و باید عده وفات نگه دارد و اموالش بین ورثه وی تقسیم گردد. ۳.

ایران

در ایران تا پیش از استقرار حکومت اسلامی در بهمن ۱۳۵۷، کیفر مرگ یکی از نمونه‌های مجازات‌های اصلی در قانون مجازات عمومی بشمار می‌رفت.

این قانون نخست در متن مصوب ۲۳ دی ۱۳۰۴، جرایم را بر پایه شدت و ضعف به چهار دسته جنایت، جنحه مهم، جنحه کوچک، خلاف تقسیم کرده بود. سرآمد مجازات‌های جنایت، اعدام بود که برای جرم‌های مهم مثل قتل عمد و غیره مقرر شده بود. با روی کار آمدن حکومت جمهوری اسلامی ایران، نظام جرایم و مجازات‌ها نیز دگرگون شد.



با کمی دقت در قوانین کشورمان، کاملاً روشن است که قوانین ما ریشه فقهی دارند، اصل دوم قانون اساسی بند ۲: وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین... و بند ۶: کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا... قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ که متن بازنگری شده نخستین قانون مدون پس از انقلاب در سال ۱۳۶۱ است، با مبنا قرار دادن شرع اسلام، مجازات‌ها را به پنج گروه، حدود، قصاص، دیات، تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده تقسیم می‌کند. (ماده ۱۲). جز درباره دیات، کیفر مرگ نمونه آشکار مجازات‌های چهارگانه دیگر ماده ۱۲ است. ۱۰ و ۴. حال به بیان مصداق‌ها می‌پردازیم: ۳:

#### حدود:

جرم زنا در چهار حالت مستوجب قتل شناخته شده است:

زنا با محارم نسبی، زنا با زن پدر که موجب قتل زانی است، زنا با غیرمسلمان با زن مسلمان که موجب قتل زانی است، زنا با عتف و اکراه که موجب قتل زانی اکراه‌کننده است چگونگی اعدام مرتکب لواط بر پایه مشهور فقیهان: (۱) قتل با شمشیر (۲) سوزاندن با آتش (۳) سنگسار (۴) خراب کردن دیوار بر مرتکب (۵) پرتاب از بلندی. ۳ و ۹. همچنین کیفر تفخیز، مساحقه، شرب خمر، به ترتیب در بارهای چهارم و سوم (اعدام) است. مواد (۱۲۲، ۱۳۱ و ۱۷۹)، کیفر مرگ یکی از گونه‌های چهارگانه حد محاربه و افساد فی الارض نیز به شمار می‌رود. ۶ و ۹.

سرانجام، ارتکاب سرقت در باب چهارم مستوجب اعدام شناخته شده است. ۳. تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده: کیفر مرگ برای جرم‌های گوناگون پیش بینی شده است. کیفر مرگ در این موارد ممکن است در چارچوب جرم محاربه مورد حکم قرار گیرد که تأمل برانگیز است، زیرا قانونگذار حکم یکی از حدود الهی (محاربه و افساد فی الارض) را به جرم‌های تعزیری گسترش داده است. برای نمونه در پاره‌ای از جرایم ضد امنیت داخلی و خارجی کشور، موضوع فصل نخست از کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵، با توجه به شرایط جرم، کیفر محاربه در کنار حبس تعزیری پیش بینی شده است. ۴ و ۳.

همچنین بر پایه ماده ۵۱۳ اهانت به مقدسات مذهبی، ساب النبئ است و مستوجب

اعدام است. ۶۰۹ گذشته از اینها در پاره‌ای موارد، قانونگذار، خود ابتکار به کیفر رساندن قانون شکنان را به شهروندان واگذار کرده است و بدین سان به گونه‌ای به عدالت خصوصی دامن زده است. برای نمونه به موجب تبصره ۲ ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی، اگر شخصی کسی را به اعتقاد قصاص یا مهدورالدم بودن بکشد و این موضوع در دادگاه ثابت شود، چنانچه بتواند ادعای خود را در مورد مهدورالدم مقتول به اثبات برساند، قصاص و دیه از او ساقط است. همچنین در ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ به شوهری که همسر خود را در حال زنا با مرد بیگانه ببیند، اجازه داده شده است تا هر دو را به قتل برساند، به نظر ما واگذاری چنین اختیاری به شهروندان زمینه را برای برهم خوردن نظم اجتماعی و ایجاد هرج و مرج در جامعه فراهم می‌سازد، و آن را دستاویزی برای سوءاستفاده فرصت طلبان قرار می‌دهد و تهدید و به نوعی نقض بالقوه حق حیات است و اینها خود نمونه نادر از قوانین است که بجای اینکه به نوعی جنبه پیشگیرانه در قانون مجازات برای افراد جامعه داشته باشند، جرم‌زا هستند. ۴۰۳

کیفر مرگ در قوانین پراکنده دیگری برای جرایمی چون قاچاق مواد مخدر و جرم‌های اقتصادی نیز به چشم می‌خورد. در قانون مجازات اخلال گران نظام اقتصادی مصوب ۱۳۶۹ برای اخلال در نظام پولی یا ارزی کشور یا اخلال در نظام تولیدی کشور، چنانچه به قصد مقابله با نظام ... کیفر مرگ پیش‌بینی شده است (ماده ۲) ۶۰۹، همچنین قانون اصلاح شده مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ مجمع تشخیص مصلحت نظام نزدیک به ۱۰ بار به اعدام اشاره می‌کند. ۱۰۴

بر پایه آمارهای جهانی، ایران همواره جز کشورهایی بوده است که بالاترین رقم اعدام را در فهرست اجرا کنندگان این کیفر به خود اختصاص داده است. یادآوری این نکته را ضروری می‌دانم، شیوه‌های اجرای کیفر مرگ، به دار آویختن محکوم، متداول‌ترین شیوه اجرای کیفر مرگ به شمار می‌رود، ولی در پاره‌ای موارد روش‌هایی در برخی کشورها به چشم می‌خورد که می‌توان آنها را با کیفرهای متداول دوران باستان مانند سوزاندن در آتش یا خراب کردن آوار بر مرتکب در قانون حمورابی مشابه دانست.

آمار گروه عفو بین‌الملل در طول دهه ۹۰، شش کشور، زندانیان زیر ۱۸ سال خود را اعدام

کرده‌اند: ایران، پاکستان، عربستان، یمن، نیجریه و آمریکا.

کمیته حقوق بشر حق حیات را دارای ۲ مفهوم ویژه می‌داند: ۷:

(۱) مفهوم منفی و (۲) مفهوم مثبت

کمیته حقوق بشر چنین بیان می‌کند که: ماده ۶، از حق حیات حمایت می‌کند و آن را به عنوان یک حق بی‌نهایت (متعالی) توصیف کرده است.

ماده ۶ دارای یک مفهوم منفی است با عنوان حق به محروم نشدن خودسرانه و غیرقانونی از حمایت به وسیله دولت یا عوامل آن، و یک مفهوم مثبت که در آن دولت باید تدابیری را اتخاذ کند که سودمند و مساعد برای خواست یک شخص برای زندگی و حیات باشد. ۷:

**حق به کشته نشدن به وسیله دولت یا عوامل آن: ۷:**

در یک پرونده که مربوط به کلمبیا بود، مأموران پلیس که مشکوک به افرادی بودند که سارق کودکان به شمار می‌آمدند به قصد دستگیری به محل اختفای آنها حمله می‌کنند، ولی پس از ورود متوجه می‌شوند که کسی در داخل نیست، تصمیم می‌گیرند که در داخل خانه مخفی شوند تا به محض ورود این افراد به داخل آنها را دستگیر کنند.

هفت مرد تدریجاً وارد خانه شدند و هر هفت نفر به وسیله پلیس کشته شدند.

اگرچه پلیس ابتدائاً بیان می‌کرد که این افراد به علت مقاومت و نمایان کردن اسلحه و حتی مبادرت به شلیک از سلاح‌های خطرناکشان کشته شدند اما یک مؤسسه حرفه‌ای پزشکی قانونی نتیجه آزمایشات خود را صریحاً به این مضمون اعلام کرد که قربانیان سلاحی را استفاده نکرده‌اند و قربانیان از فاصله نزدیک کشته شده‌اند و بعضی از قربانیان از پشت و یا ناحیه سر مورد هدف قرار گرفته‌اند و این مسأله ثابت شده بود که قربانیان در یک زمان کشته نشده بودند و با یک مدت زمان مشخص از یکدیگر به محض اینکه به خانه رسیدند کشته شده‌اند، و دیگر اینکه بیشتر آنها در حالی که سعی به نجات خود از این حمله غیرمنتظره داشته‌اند، کشته شده‌اند.

پلیس به دنبال این عمل از جرم خشونت منجر به مرگ، مورد تبرئه قرار گرفت. این تبرئه به وسیله یک قانون داخلی مقرر شده بود. این قانون مقرر کرده بود که اگر یک عمل قابل مجازات از نیروی پلیس در حین اجرای یک عملیات طراحی شده با موضوع پیشگیری و مبارزه با اخاذی و ربودن طفل و تولید و جریان حمل و نقل و ترانزیت مواد مخدر سر بزند می‌تواند از این ماده به عنوان یک دفاع برای تبرئه شدن استفاده کند.

با وجود این واقعیت که کشتن در این پرونده مطابق حقوق داخلی کلمبیا قانونی به نظر می‌رسد، اما کمیته حقوق بشر اعلام کرد که ماریا سوارز کوئررو به طور خودسرانه از زندگیش محروم شده است و این نقض ماده ۶ میثاق است.

و در پرونده حاضر، این مسأله روشن است که این هفت نفر زندگیشان را به عنوان نتیجه عمل عمدی پلیس از دست دادند و محرومیت از حیات با قصد قبلی بوده است. بعلاوه اقدام پلیس به طور واضح، بدون هیچ گونه اختطاری به قربانیان و بدون هیچ فرصتی به آنها برای تسلیم خود به واحد پلیس صورت گرفته و حتی هیچ توضیحی در مورد حضور خود یا قصد خود به قربانیان نداده‌اند. و دیگر اینکه قربانیان بیشتر از مظنون نبوده‌اند و با این اقدام پلیس از حمایت‌های لازم و دادرسی عادلانه که به وسیله میثاق مقرر شده است نیز محروم شدند.

کمیته این اقدام نیروی پلیس کلمبیا را فاقد تناسب لازم با اوضاع و احوال پرونده دانسته است و قانونی بودن این عمل پلیس را با توجه به قانون کلمبیا ادله‌ای می‌داند مبنی بر اینکه حق حیات به طور متناسب مورد حمایت به وسیله قوانین کلمبیا قرار نگرفته است به صورتی که ماده ۶ در بند ۱ خود مقرر کرده است. ۷.

این پرونده تأیید می‌کند که مفهوم خودسرانه وسیع‌تر از مفهوم غیرقانونی است. همچنین کمیته حقوق بشر تأیید می‌کند اقدامات متناسب در اجرای قانون، استفاده از نیروی مهلک و یا کشتن دولت را توجیه خواهد کرد. کشتن در مواردی چون دفاع از خود یا دیگران، اجرای بازداشت (دستگیری) و یا جلوگیری از فرار، تقصیری را بر مرتکب بار نمی‌کند.

در قضیه دیگری نویسنده‌ای در زامبیا ادعا کرده بود که او و دیگر همکارانش هدف یک قتل به وسیله عوامل دولتی آن کشور که عضو میثاق نیز هست، قرار دارند. کمیته اعلام کرده بود یک شروع به قتل نافرجام و غیر موفق، با این حال می‌تواند منجر به نقض ماده ۶ و مخصوصاً بند اول آن شود. ۷.

کمیته مشاهده کرد که پاراگراف اول ماده ۶ متضمن یک تعهد برای دولت طرف معاهده، جهت حمایت از حق حیات همه اشخاص واقع در سرزمینش و تحت صلاحیتش، می‌باشد. نویسنده ادعا کرده بود که دولت طرف میثاق قصور کرده و اعتراض به کمیته کرده

است که دولت، استفاده از نیروی کشنده و مهلک را بدون دلایل قانونی مجاز شمرده است، که می‌تواند منتهی به قتل نویسنده شود. در این اوضاع و احوال کمیته اعلام کرد که دولت طرف میثاق مطابق با تعهداتش در حمایت از حق حیات نویسنده تحت پاراگراف ۱ ماده ۶ عمل نکرده است.

مطابق پاراگراف ۳ ماده ۲ میثاق، دولت طرف میثاق متعهد است به تأمین جبران (علاج) مؤثر و اتخاذ اقدامات مؤثر برای حفاظت امنیت شخصی X و تأمین زندگی X از هر نوع تهدید کمیته فوریت اجرای تحقیقات مستقل در مورد رویداد تیراندازی را توسط دولت اعلام کرد و همچنین فوریت تسریع در تعقیب و رسیدگی علیه افراد مسؤول در تیراندازی را نیز اعلام کرد. اگر نتیجه رسیدگی‌ها آشکار کند که اشخاص با یک اهلیت رسمی مرتکب این عمل شده‌اند و مسؤول در تیراندازی و وارد کردن صدمه نیز بوده‌اند، جبران باید در برگیرنده خسارت به X نیز باشد. و مسأله عمده اینجاست که این دولت طرف میثاق تحت یک تعهد برای تضمین اینکه، خشونت‌های مشابه در آینده رخ نخواهد داد، قرار دارد.

#### وظیفه و تعهد به کشف قتل‌های دولتی:

در نظریه تفسیری کمیته حقوق بشر در مورد ماده ۶ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، دولت‌های طرف میثاق مکلف‌اند که اقدامات خاص و مؤثری را برای پیشگیری از ناپدید شدن افراد اتخاذ نمایند، چیزی که متأسفانه بارها رخ داده است و بارها منتهی به محرومیت خودسرانه حیات افراد شده است. *طاعات فریگی*  
بعلاوه دولت‌ها باید امکانات مؤثر و رسیدگی‌هایی را برای کشف، به واسطه موارد متعدد گم شدن و ناپدید شدن افراد در اوضاع و احوالی که ممکن است در برگیرنده نقض حق حیات باشد اتخاذ نمایند. ۷

#### تکلیف به مجازات مجرمین به واسطه قتل‌های دولتی:

در قضیه کلمبیا، نیروهای امنیتی کلمبیا از استفاده نیروی کشنده تحت یک قانون ایجادکننده مصونیت، تبرئه شده بودند. به نظر کمیته این قانون به خودی خود یک نقض ماده ۶ میثاق را تشکیل می‌دهد. آن قانون آشکار کرده است که دولت طرف میثاق از اتخاذ تدابیر متناسب برای حمایت از حق حیات به واسطه عدم مجازات مرتکبین

قتل‌های خودسرانه قصور کرده است. ۷.

### نتیجه‌گیری

در تمام این موارد که ذکر شد، حساسیت کمیته حقوق بشر روی این مسأله متمرکز است که دولت‌ها می‌باید در عمل، به تعهدات خود پایبند باشند و حیات افراد را تضمین کنند. کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد، وجود قوانین متناقض با ماده ۶ میثاق حقوق مدنی و سیاسی را نوعی عدول از تعهدات دولت‌ها به تضمین و احترام حق حیات می‌داند و وجود این نوع مقررات را به نوعی، ایجادکننده مصونیت برای دولت و عوامل دولتی که بالقوه، تهدیدکننده حق حیات افراد می‌باشد، می‌داند.

اگر به قانون مجازات اسلامی نگاهی اجمالی کنیم می‌توانیم به راحتی چنین موادی را که مطابق با تفاسیر کمیته حقوق بشر، ناقض حق حیات است، به شرح زیر یافت ۹ و ۶:

ماده ۱۲۱ ق.م: در صورتی که فاعل غیرمسلمان و مفعول مسلمان باشد حد فاعل قتل است. ۹.

ماده ۱۸۴ ق.م: هر فرد یا گروهی که برای مبارزه با محاربان و ازبین بردن فساد در زمین دست به اسلحه برند محارب نیستند. ۹.

ماده ۲۱۰ ق.م: هرگاه کافر ذمی عمداً کافر دیگر را بکشد قصاص می‌شود اگرچه پیرو دو دین مختلف باشد و... ۹.

(مسلمان بر اثر کشتن کافر کشته نمی‌شود و در کتب فقهی آمده چنانچه مسلمان عادت به کشتن کفار پیدا کند، به این دلیل قصاص نمی‌شود آیت ا... مرعشی) ۳

ماده ۲۲۰ ق.م: پدر یا جد پدری که فرزند خود را بکشد قصاص نمی‌شود و به پرداخت دیه قتل به ورثه مقتول و تعزیر محکوم خواهد شد. ۹.

ماده ۲۲۶ ق.م: قتل نفس در صورتی موجب قصاص است که مقتول شرعاً مستحق کشتن نباشد و اگر مستحق قتل باشد قاتل باید استحقاق قتل او را طبق موازین در دادگاه اثبات کند. ۹.

کسی که شرعاً مستحق کشتن است، مهدورالدم است، این ماده از مواد جرم‌زا است. ۹.

موارد مهدورالدم: زنا با محارم نسبی، زنا با زن پدر، زنا به عنف و اکراه، زنا محصن و محصنه، کسی که برای بار چهارم مرتکب زنا شده است و در دفعات قبل حد بر او

جاری شده باشد، کسی که مرتکب لواط شده باشد، کسی که سه بار مرتکب مساحقه شده است و بعد از هر بار حد بر او جاری شده، کسی که ۲ مرتبه شرب مسکر کرده است و حد بر او جاری شده، کسی که در مرتبه چهارم مرتکب سرقت شود، کسی که مرتکب ساب النبی شود. ۶ و ۳ و ۹

ماده ۲۹۵ ق.م.ا تبصره ۲: در صورتی که شخصی کسی را به اعتقاد قصاص یا به اعتقاد مهدورالدم بودن بکشد و این امر بر دادگاه ثابت شود و بعداً معلوم گردد که مجنی علیه مورد قصاص و مهدورالدم نبوده است قتل بمنزله خطای شبیه عمد است... ۹

ماده ۶۳۰ ق.م.ا: هرگاه مردی همسر خود را در حال زنا با مرد اجنبی مشاهده کند و علم به تمکین زن داشته باشد می تواند در همان حال آنان را به قتل برساند و در صورتی که زن مکره باشد فقط مرد را می تواند به قتل برساند... ۹

و این موارد، شکل دهنده این ذهنیت است که قوانین جزایی ایران برای هماهنگی با موازین و چارچوب‌های جدید بین‌المللی حقوقی و جزایی، می باید دچار تغییر و تحول گردد.

### منابع

- (۱) زمانی، سید قاسم. موازین بین‌المللی حقوق بشر و بازداشت محکومین مالی در ایران، مجله حقوقی، شماره ۳۵، ۱۳۸۶.
- (۲) مرکز مطالعات حقوق بشر، گزیده‌ای از مهم‌ترین اسناد بین‌المللی حقوق بشر، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشکده حقوق دانشگاه تهران، ۱۳۸۲.
- (۳) شمس ناتری، محم ابراهیم، بررسی تطبیقی مجازات اعدام، چاپ اول، قم، مرکز انتشارات تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸.
- (۴) رابعان اصلی، مهرداد، جایگاه کیفر مرگ در جهان، مجله پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۱۱، بهار و تابستان ۸۳.
- (۵) محمدی گرگانی، محمد، کرامت انسان، حقوق بشر از منظر اندیشمندان، چاپ اول، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۰.
- (۶) گلدوزیان، ایرج، حقوق جزای اختصاصی، چاپ ۱۱، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.
- (۷) سایت سازمان ملل متحد (www.un.org)، کمیته حقوق بشر ملل متحد (www.hrc.org)
- (۸) امیرارجمند، اردشیر، مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر، چاپ دوم، تهران، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۶.
- (۹) گلدوزیان، ایرج، محشای قانون مجازات اسلامی، چاپ دوم، تهران، مجد، ۱۳۸۲.
- (۱۰) www.amnesty.org عفو بین‌الملل.